

لزوم اصلاح قانون منع به کارگیری باز نشستگان

صفحه ۲



نگاهی به کتاب «ماه به روایت آه» اثر مرحوم استاد ابوالفضل زرویی نصر آباد

ارادت فاخر

صفحه ۱۲

تیتراهای امروز

پرونده‌ای به مناسبت فرارسیدن ۱۶ آذر روز دانشجو

برادر غرق خونه

چرا و چگونه ۳ دانشجوی ایرانی پیش پای یک آمریکایی قربانی شدند!



صفحات ۱۱ و ۶

«وطن امروز» از جزئیات لایحه بودجه ۹۸ گزارش می دهد

ارقام معنادار در لایحه بودجه

صفحه ۲

گزارشی درباره وضعیت باشگاه استقلال در ۵ سال اخیر

بلایی که دولت بنفش بر سر آبی ها آورد

صفحه ۱۴

موریتج برنده توپ طلای ۲۰۱۸ شد

پایان امپراتوری مسی و رونالدو

صفحه ۱۴

دیدگاه

دگردیسی در مفهوم جنگ

از «جنگ شناختی» تا «ترور نرم»!

■ ماشاءالله ذراتی ■

جهان امروز بیش از هر زمان دیگری دچار بحران مفاهیم است. اگر بپذیریم که مفاهیم عناصر اصلی تشکیل دهنده بافت‌های متنوع ادراک ما هستند، اذعان خواهیم داشت که مفاهیم به‌مثابه یاخته‌های مولکولی این بافت به‌فهم ما حیات و به نگاه ما جهت می‌بخشند. تحول در مفهوم «جنگ»، گاه در کسوت بسط و توسعه مفاهیم قدیم جنگ و سازگاری آنها با شرایط جدید و با هدف بازاندیشی مفهومی، پدیدار شده و گاه حاصل هم‌افزایی و بهره‌گیری از علوم مختلف در چارچوب نظریه‌های جدید نمایان شده است. عبارت ترکیبی «جنگ‌های نوین» یا «جنگ‌های مدرن» در مقاطع مختلف زمانی در ادبیات نظامی و امنیتی ویژه در نیم‌قرن اخیر از جانب نظریه‌پردازان این حوزه، به‌منظور بیان همین تحولات و تغییرات بنیادی در ماهیت جنگ‌ها و منازعات انسانی مطرح شده است. «جوزف نای» معتقد است جنگ نرم شیوه جدیدی است که یک اقدام‌کننده بدون استفاده از زور به خواسته‌هایش جامه عمل می‌پوشاند و جنگ نرم مستلزم برخورداری از قدرت نرم است که قدرت نرم خود را در ۲ توانمندی ویژه جذب و متقاعدسازی و ارضای ایدئولوژیک دیار نبرد ادراکی، جنگ شناختی، جنگ نرم، پروپاگاندا، جنگ رسانه‌ها و نبرد رسانه‌ای، تمام این عبارات هر یک به نوعی بر مفاهیم نگرش و تفکر افراد جامعه و مدیریت تفکر عمومی دلالت داشته که خود در سطحی بالاتر بیانگر مفهوم کلی هدایت و گمراهی است که در قرآن و کتب آسمانی به آن اشاره شده است که در اینجا قصد تشریح و تبیین آن را نداریم.

■ پروژه دلتا

سیاست‌گذاران پنتاگون و سیا در ایالات متحده بسا به کارگیری ۳ راهبرد دکتربین ماهر، نبرد رسانه‌ای و ساماندهی نافرمانی مدنی اتحاد شوروی را به فروپاشی و شکست واداشتند. این راهبرد بعدها در مناطق مختلف و علیه دیگر مخالفان آمریکا از جمله جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه ادامه پیدا کرد. مارک پالم، یکی از راهبردهای دانش‌آزموده معروف آمریکا، صراحتاً بسا ایده تهاجم نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران مخالفت و...

ادامه در صفحه ۱۲



«وطن امروز» از همراهی دقیق فرانسه با پروژه ضد ایرانی ترامپ در ۳ حوزه حساسه‌ای، موشکی و تحریم‌ها گزارشی می‌دهد

نعل به نعل!

با وجود دخالت کم‌سابقه مکرون در جریان اعتراضات دی‌ماه ۹۶ ایران، چرا دولت حسن روحانی در قبال سرکوب اعتراضات مردمی در فرانسه سکوت کرده است؟

جواب مکرون را بدهید

صفحه ۵

دموقراضه فنارسه!

■ حسین قدیانی ■

در تاریخ که غم‌خوار شما همین ما هستیم که غم‌خوار مردم غزه و لبنان و یمن و بحرین نیز هستیم! خیال‌تان راحت! از منورالفرکان غرب‌زده هیچ کجای دنیا حمایتی نخواهید شدا حتی وقتی هم که شما را می‌برند تیتراژ یک، بیشتر نگران آنند که مبادا «بغل» آسبیبی ببینند! عاقبت، همه حق صدای قرقولی قوقول خروس فرانسه، در لایه‌ای خروش شما قطع شود! از نظر سران چشم‌چران غرب، بشکه گنده‌ای چون بن‌سلمان، باید هم حکایت گاو شیرده باشد اما چندی است گریبان فرارعت، افتاده دست شیران ترا! گیرم فلان سازمان زیرمجموعه آن عمارت نکره نیویورک، قاسم سلیمانی را ترور بسمت بخواند اما آنکه تکفیری‌ها را از شجاعت خود و نیروهایش کفری کرده، همان است که هم برای دخترکان کرانه باختری، اشک می‌ریزد، هم برای گریه‌مظلومانه هر دخترک دیگری! ولو در قلب پاریس! اوج انسانیت غرب‌زده‌ها اما همین است که مثلاً اگر کارگردان هستند، ایران خودشان را سیاه و پر از خشونت نشان دهند به پاریسی‌ها! به پاریسی‌ها که بارها و بارها رنگ جلیقه زردشان، سرخ شد این روزها! خوش آمدی به دنیا جلال! این دنیا هنوز هم قلم تو را می‌خواهد! قلم تویی که روشنفکر بودی و اتفاقاً پاریس هم رفته بودی اما هرگز رو به برج زهرمار ایفل، نماز نخواندی! بوی خسون و آهن و دود می‌دهد این روزها! قلم بردار! قدم بردار! برو و بین و باز هم بنویس! و باز هم «فرانسه» را «فرانسه» بنویس، از بس که «دموقراضه» است این دموکراسی غربی! لخت‌تر از هر پادشاهی! بشنوید! این فریاد اعتراض انسان طفل معصوم آخرالزمان است علیه مکاری مکرون‌ها و ترامپ‌ها و بن‌سلمان‌ها! هیهات! هیهات! اگر بهشت شود دنیا، با وجود این رؤسای جهنمی دنیا را و این جهان را و این مردمان را، مردی دیگر باید مردی دیگر باید بیاید ...

یمنی‌ها را آدم حساب نمی‌کنند، چرا اینجا برای مردم فرانسه، هیچ شمع‌ی به‌نشان همدردی روشن نمی‌کنند؟! نکلند دولت مکرون از ۷ دولت آزاد است و هر چه زد، زد؟! نکلند سبلی خوردن مردمان اروپا فقط از داعش محکوم است؟! «نه غزه، نه لبنان» و نه حتی مردم فرانسه؟! و آن‌وقت پرسشش کوروش، چون که پادشاه آدم‌نوازی بود! یکی - دو روز پیش، تولد «جلال» بودا و نه عجب که هنوز هم «غرب‌زدگی» فروش می‌رود! عنصر غرب‌زده، عاشق سلفی با ایفل است و افتخار به خط اتوی شلوار جانشینان سارکوزی! او حتی چشم به ظلم دولت فرانسه به مردم فرانسه هم می‌بندد، چرا که چشمش پر از زرق و برق ادولکن‌های مدین پاریس است! آنقدر که نه کارگر گلاب قصر خودمان را ببیند، نه حتی کارگر فرانسوی را! او خود کارگر کارخانه ستم‌سازی غرب است! و به حقوقی، منظور عنصر غرب‌زده از «نه به خشونت» همان است که مراد سران غرب و FATF و CFT است! در این منظومه، تیر و کمان کودک اهل غزه و چغیبه نصرالله و تفنگ بچه‌های حاج‌قاسم، حتما مصداق خشونت حساب می‌شوند لیکن چماق مکرون، هوچ! ولو بر سر فرانسوی‌های چشم‌آبی! الان باید می‌نوشتی «قلعه حیوانات» را حضرت اورول! بله! دنیای غرب‌زده‌ها، قلعه وحشی‌ترین حیوانات است! عمری «نه» گفتن به «خشونت»، لیکن سوت و کف زدن برای آن نامرد که سر شیخ دردمند عصر مشروطه را برد بالای دار! و تاختن به «الاحمد» که چرا آن جمله مشهور را در شرح مظلومیت آن شیخ شهید و نیز شرح بی‌وجدانی روشنفکر غرب‌زده نوشت! هان ای مردم فرانسه! ثبت کنید

«روح‌الله» گرم که ما را نسبت به نقاب چهره غرب، بیدار کرد! دم «سیدعلی» گرم که بی‌فرجام می‌داند نشست و برخاست با این وحشی‌های اتحادیه اروپایی را! چقدر هم اتحاد! به دانش‌اش و کراوات نیست! یک رگ بن‌سلمانی در پیکر همه سران این اتحادیه هست که از آزادی، فقط شعارش را می‌دهند! به‌جای تباکو، بوی دود استخوان نحیف آمیزد می‌دهد پیپ منورالفرکان پاریس‌نشین! بیچاره غرب‌زده‌ها ما که هنوز هم می‌خواهند حساب فرانسه را سفید کنند! کل عمرشان «مرسی‌مرسی» می‌گویند اما این جور وقت‌ها چنان چشم بر فرانسه می‌بندند که گویا پاریس اصلاً پایتخت هیچ قبرستانی نیست! و من حالا می‌فهمم چرا آن بی‌مردم بروجردی، بدش آمد که در وصف شهرش از عبارت «پاریس کوجولو» بهره می‌برند! حالا می‌فهمم چرا زنده‌یاد آل‌احمد، اصرار داشت «فرانسه» را اینجوری با تحقیر بنویسد: «فنارسه»! شگفتا! باتوم نیروی حافظ امنیت ما مقابل آنان که ۸۸ می‌خواستند انتخاباتی با آن عظمت را سرنگون کنند، حتی سسر هیلازی کلینتون را هم درد آورد ولی الساعه لال شده وزیر خارجه آمریکا! و کور شده دیدبان صلح حقوق بشر! و به خواب زده خودش را و این همه تیخترا! و این همه غرور! و این همه شو! حق با «جلال» بود که حتی در عصر فکل کراواتی‌ها نیز، هرگز یک فنجان چسای قهوه‌خانه‌های دیار خود را به کافه‌های پاتوق روشنفکران مید - این - پاریس، نفروخت! حق با «شریعتی» بود که عوض شکوه بردن نزد پایه‌های آهنی ایفل، سر بر در خانه گلی «علی» و «زهره» می‌گذاشت و غم‌قرن‌ها را زار می‌گریست! هی مستر تقی‌زاده! دقیقا از کجا تا کجا باید غربی شویم؟! و فرنگی شویم؟! و فرانسوی شویم؟! حکام الیزه، ملت خود را کتک زنند! ترحم هستند! و من ماندام جوجه سلبریتی‌های ما که

نگاه‌امروز

کج‌تر از «پیزا» برج زهرمار «ایفل» است! جمهوری چماق! ادولکن‌های پاریس، بوی خون می‌دهد! خاک بر سر «سازمان ملل» که کمربند اسد علیه تکفیری‌ها را محکوم می‌کند اما بی‌رحمی پلیس فرانسه را نمی‌بیند! اینجا در ایران اگر نیروی انتظامی و بعضاً هم همچون حکایت ۹ دی، خود ملت در برابر فتنه‌گران دروغگو که لگد به ۴۰ میلیون رأی زدند بایستند، حتما از مصادیق «خشونت» است اما در شانزه‌لیزه، هر جنایتی قابل عفو! بیچاره آن منورالفرکانی که روی کراوات مکرون وحشی یادگاری نوشتند! بیچاره آن کارگردان که غرور مردمش را به کشور خروس نشان فروخت، بلکه در کس، تحویلش بگیرند! خروس نشان! کجایی جناب زان پل سارتر؟! حالا موسم قرار گذاشتن در دیار کافه‌هاست، البته اگر قبل از قهوه، کتک نخوری! کتک در مهد آزادی! آن هم به شهادت تضارب آرا و احترام متقابل، به رخ جمهوری اسلامی بکشد! خخخخ! دم خروس، ناجور از پرچم فرانسه زده بیرون! کاش زین‌الدین زیدان، یک کله هم برود در سینه لیبرال - دموکراسی، بابت این همه دروغ! و این همه تیخترا! و این همه غرور! و این همه شو! حق با «جلال» بود که حتی در عصر فکل کراواتی‌ها نیز، هرگز یک فنجان چسای قهوه‌خانه‌های دیار خود را به کافه‌های پاتوق روشنفکران مید - این - پاریس، نفروخت! حق با «شریعتی» بود که عوض شکوه بردن نزد پایه‌های آهنی ایفل، سر بر در خانه گلی «علی» و «زهره» می‌گذاشت و غم‌قرن‌ها را زار می‌گریست! هی مستر تقی‌زاده! دقیقا از کجا تا کجا باید غربی شویم؟! و فرنگی شویم؟! و فرانسوی شویم؟! حکام الیزه، ملت خود را کتک زنند! ترحم هستند! و من ماندام جوجه سلبریتی‌های ما که

www.vatanemrooz.ir

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲

پیامک خوانندگان ۱۰۰۰۲۲۳۱

یادداشت امروز

ریش و قیچی را از دشمن بگیرد!

■ حسن قربانی ■

ریش و قیچی اقتصاد مملکت از سال ۹۲ به این سو، بیشتر از اینکه دست وزیر اقتصاد، صنعت، کار و... باشد، دست عباس عراقچی و محمدجواد ظریف بوده است. وعده‌های اقتصادی رنگارنگ آقای رئیس‌جمهور هم بیشتر از آنکه مبتنی بر برنامه‌ریزی در وزارت صنعت، اقتصاد و... مطرح شده باشند، بر اساس فن دیپلماسی همین آقایان طرح شده‌اند. لذا ما با اینکه ولی‌الله سیف را در مساله توزیع دلار جهانگیری و محمد شریعتی‌مردی را در مساله قاچاق ۵ هزار خودروی لوکس مقصر می‌دانیم، نباید یادمان برود این تخلفات همه در پناه چتری که محمدجواد ظریف برای مسؤولان اقتصادی گسترده، رخ‌نمایی کرده است. محمدجواد ظریف نه به خاطر آنکه زیر قراردادی امضا انداخته که حق شکایت هم برای ایران در نظر نگرفته است، بلکه به خاطر چند سال آدرس غلط دادن به ۸۰ میلیون ایرانی باید در پیشگاه تاریخ و قانون بازخواست شود. اینکه چشم‌ها را برای نخستین‌بار به بیرون از مرزها گرداند و افق نگاه جامعه‌ای که برای استقلال و روی پای خود ایستادن انقلاب کرد را عوض کرد. از ایسن منظر، اتهام‌پراکنی بدون سند آقای ظریف به کلیت کشور در روزهای اخیر در مقایسه با خطای اصلی او یک مساله کاملاً فرعی است. به بیان دیگر، اتهام‌زنی اخیر وزیر امور خارجه کشور به ایران! گام کوچکی در راستای همان خطای بزرگ او است و نباید مانع دیدن آن خطای اصلی شود. خطای اساسی آقای ظریف این بوده و هست که وقتی به قول خودش «در اداره وزارت امور خارجه هم درمانده»، ریش و قیچی یک اقتصاد ۸۰ میلیونی را چند سال است در دست گرفته، رها هم نمی‌کند. اما خوشم‌زگی آرایشگری اقتصاد به سبک ایشان این است که وی مهم‌ترین راهبرد اصلاح اقتصاد ایران را، رفیع بهانه‌های آمریکا و غرب می‌داند. در این واقعیت تلخ، نکته ظریفی نهفته است و آن اینکه ریش و قیچی اقتصاد ما در ۵ سال گذشته، نه در دست آقای ظریف که به واقع در دست اروپا و آمریکا بوده است!

ما ریش و قیچی اقتصاد را به دست دشمن داده‌ایم، دشمن هم که برای آدم قیبا نمی‌دودز لایند، قیچی را در پهلوی فرو می‌کند! نتیجه همین می‌شود که تورم چنین، ارز چنان و حتی پاسپورت ایرانی هم بهمان شود! آقای ظریف با هنر دیپلماسی خود کاری کرده که نبض اقتصاد البته اشتباه سهوی وزیر امور خارجه یا مجموعه دولت نبوده، بلکه هدف اعلام شده آنان طی ۵ سال گذشته محسوب می‌شود. اگر یادتان باشد، آقای رئیس‌جمهور آنقدر به سپردن ریش و قیچی اقتصاد ما به بیگانه تمایل داشت که «آب خوردن» مردم را هم به رفع بهانه‌های آنان گره زد. حالا اما همان آقای روحانی می‌گوید تحریم‌ها فرصت است و مذاکره با آمریکا هم دیوانگی است. معضلات اقتصادی کشور اما مادامی که ریش و قیچی اقتصاد در دست امثال محمدجواد ظریف - واقع در دست غرب - باشد، حل نخواهد شد. حل معضلات اقتصادی، تخصص اقتصادی می‌خواهد و مرد زرم، نه لبخند زدن به دشمن و مرد بزم! مدل اصلاح اقتصاد به سبک آقای ظریف و عراقچی همین است که حالا ۷ ماه بعد از خروج آمریکا از برجام به ما بگویند: «ایده‌های جدید اروپا برای تعاملات تجاری در راه است»! در حالی که همین افراد پیش از این بارها و بارها برای اجرائی شدن بسته پیشنهادی اروپا ضرب‌الاجل تعیین کرده بودند! عراقچی شهرپورماه گذشته صراحتاً گفته بود: «روپایی‌ها تا ۱۳ آبان وقت دارند و از این تاریخ به بعد فایده‌ای ندارد بخواهند انجام دهند!» شخص آقای روحانی هم یک روز پس از خروج آمریکا از برجام طی تماسی تلفنی خطاب به اماتوئل مکرون تأکید کرده بود: «روپا در شرایط کنونی فرصت بسیار محدودی برای حفظ برجام در اختیار دارد!»

چند روز بعد از این مکالمه، عباس عراقچی تصویر روشن‌تری از این «فرصت محدود» ارائه داده و به تلویزیون دولتی آلمان گفته بود: «دکتر روحانی محدودیت و بازه زمانی برای ما تعیین نکرده و تنها گفته چند هفته. اما من گمان نمی‌کنم گفت‌وگوها بیش از ۴ هفته زمان ببرد». حالا از آن زمان قریب ۷ ماه گذشته و یک ماه است ۱۳ آبان را هم پشت سر گذاشته‌ایم ولی آقای عراقچی مجدداً از «ایده‌های جدید اروپا برای تعاملات تجاری» برای ما سخن می‌گوید. ادامه در صفحه ۱۲